

تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد: ۲۹ مرداد، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه



طفره روی بیشتر بر سر استقرار آتش بس خودداری کرد. خاویز پز دو کونیار دبیرکل سازمان ملل، در هنگام اعلام تاریخ برقراری آتش بس در جلسه شورای امنیت به نمایندگی از سوی شورا خواستار آن شد که دو طرف درگیر تا موهب آتش بس از اقدامات نظامی بپرهیزند و روند برقراری صلح را دچار اختلال نکنند. هر دو رژیم بقیه در صحنه ۳

بالاخره در شامگاه روز دوشنبه ۱۷ مرداد (۸ اوت) بحث های جاری در سازمان ملل متحد با نمایندگان رژیم های جمهوری اسلامی و عراق به نتیجه رسید و تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد: روز ۲۹ مرداد (۲۰ اوت)، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه (به وقت تهران). پنج روز بعد از برقراری آتش بس در ژنو مذاکره مستقیم دو طرف در گرافاز خواهد شد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی ناچار تن به مذاکره مستقیم داد و عراق از

تبریک به مردم ایران و عراق

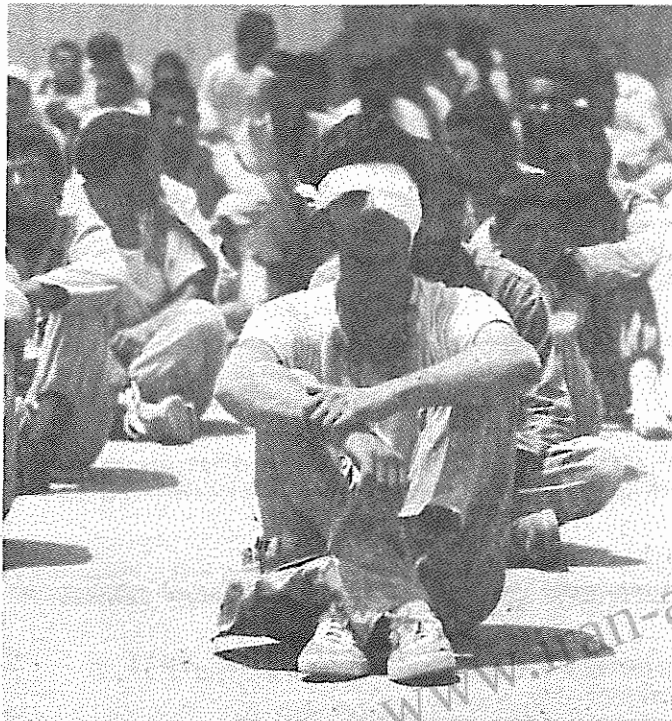
تازه آغاز شده و اکنون باید که تقاص پس دهند.

جمهوری اسلامی خبر استقرار آتش بس را به عنوان خبری هادی و حتی پیش پا افتاده اعلام کرد. جشن مردم برای رژیم حکم هزار دارد. نگذاشتند سروری بر پا شود و نقشه صلح در خیابانها طنین افکند. اما مردم چه فرحناکند و چه شاددل. از هر امکانی برای پرنمودن جشن صلح در روز استقرار آتش بس سود جوئیم. شادمانی مردم بر مهدلی آنان می افزاید. امید و مهدلی و همیاری قدرت مبارزه خلق را صلابت می بخشد.

مردم دو کشور هنوز به درستی در اضطرابند. می دانند که دور رژیم از استقرار صلح پایدار ابا دارند. هنوز تشنج می آفرینند. هنوز می کوشند جبهه ها را پر کنند و به فوریت دستگاه جنگی خود را به سلاحهای تازه مجهز سازند. مبارزه برای صلح هنوز بی مضمون نیست و مبارزه علیه جنگ اکنون کیفیت ثوینی یافته است: تقاص گرفتن از دو رژیم که اینک

تاریخ آتش بس اعلام شد. جنگ پس از ۹۵ ماه پایان می گیرد، جنگی که یک میلیون نفر قربانی بر جا نهاد. جنگ، جنگ بین مردم ایران و عراق نبود و اینک پایان آن یک پیروزی بزرگ برای مردم دو کشور است. مبارک باد این پیروزی بر خلقهای رنج دیده دو کشور! بر خلقهای دو کشور و همه بشریت! و ننگ و نفرت نصیب دو رژیم پلیدی باد که ۹۵ ماه آزار رنج و هزا و اضطراب نصیب مردمان دو کشور کردند. این دو رژیم در طی این مدت مرتکب چه جنایتهایی که نشدند: دسته دسته جوانان را به کام مرگ فرستادند، به کودکان نیز رحم نکردند، بر شهرها و روستاها بمب و موشک فروریختند، به بمب شیمیایی نیز توسل جستند و اینک هر یک خود را پیروز خطاب می کند.

جمهوری اسلامی هنوز می گوید اگر می خواست ضربه نهایی را می زد! صدام حسین از قادسیه پیروزمند دم می زند و خود را قهرمان ملی می خواند. اما هر دو رژیم می دانند که مشکلشان



جمعی از اسرای ایرانی در یک اردوگاه اسرای جنگی در بصره. اسرای دو کشور برای آزادی لحظه شماری می کنند. همه قلبهایی پر کینه دارند.

می خواهند به بهانه بازسازی قلمرو گسترده ای در برابر دارد. با محرومیت های تازه ای را به پایان یافتن جنگ مبارزه وارد زحمت کشان تحمیل کنند. مبارزه مرحله تازه ای شده است.

تشدید سرکوبی علیه خلق کرد

۲۸ مرداد هم یادآور کودتای آمریکایی شاه علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق و سبطره دیکتاتوری تمام هیار محمدرضا شاه است و هم یادآور فرمان خمینی در سال ۵۸ مبنی بر یورش به کردستان و همزمان با آن یورش حزب الله به سازمانهای چپ و دموکراتیک در سرتاسر کشور.

با فرا رسیدن ۲۸ مرداد ۹ سال از حمله سرتاسری رژیم به کردستان می گذرد. پیش از این تاریخ نیز رژیم خمینی کینه خود را به خلق کرد به صورت سرکوبهای خونین به نمایش نهاده بود. در ۲۸ مرداد ۵۸ این سرکوبگری به صورت سیستماتیک و همه جانبه درآمد.

در طی این مدت خلق کرد به صورتی حماسی در برابر هژیم ترین یورشها مقاومت کرده است. مبارزه مسلحانه تداوم یافته و از حمایت قوی خلق بر خور دار بوده است. بقیه در صفحه ۵

زندانیان سیاسی به سلولهای انفرادی، نگرانی هژیم مردم و نیروهای انقلابی را برانگیخته است.

موج اعدام های جدید را باید در ارتباط با تحولات سیاسی جامعه در نظر گرفت، رژیم جمهوری اسلامی به درماندگی بی سابقه در قلعیده است. ماشین جنگی رژیم به گل نشسته و سیاستهای جنگ افروزان رژیم بکلی شکست خورده است. رژیم خمینی از پی آمدهای سیاسی آن بشدت هراس دارد. صدها هزار کشته و معلول و ویرانه های برجای مانده، همگی محصول سیاست جنگ افروزان رژیم بشمار می آیند. مردم کشور هرگز فراموش نخواهند کرد که رژیم سالیان سال تحت شعار "جنگ، بقیه در صفحه ۵

زندانیان سیاسی مخفیانه کشتار می شوند

کارزار دفاع از جان اسیران در بند را حدت بخشیم!

جان زندانیان سیاسی، این فرزندان برومند خلق، در خطر است. رژیم آزادی کش و آدمی خوار خمینی اخیرا کوشیده است تا با دست زدن به کشتارهای تازه در شکنجه گاه های، از توده ها زهرچشم بگیرد. بگونه ای مداوم، اخبار اعدام های تازه منتشر می شود. هم اینک ۵۵ تن از زندانیان سیاسی را، که حکم اعدامشان از سوی مقامات رژیم تأیید شده است، به سلولهای انفرادی منتقل کرده اند. ملاقات زندانیان سیاسی را برای دو ماه قطع کرده اند از سرنوشت این همه هیچ اطلاعی در دست نیست. هر لحظه می تواند، میدانهای تیر از خون این انقلابیون گلگون گردد. ماشین مرگ آفرین رژیم، اینک خود را برای کشتارها و سرکوب جدید آماده می کند. خبر انتقال بخشی از

پیشگام در آغاز چهارمین سال انتشار

پیشگام، نشریه سازمان جوانان پیشگام ایران با انتشار شماره ۳۷ خود چهارمین سال انتشار خود را آغاز کرد. نشریه پیشگام در اولین شماره سال چهارم حیات ثمرآفرین خود مقاله‌ای در تشریح نقش "پیشگام" و وظایف آن درج کرده است که در بخش‌هایی از آن آمده است:

چهارمین سال انتشار "پیشگام" را در شرایطی آغاز می‌کنیم که در آستانه ده سالگی سازمان جوانان پیشگام قرار داریم. نخستین اوراق تبلیغی سازمان ما، اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی بود که در روزهای تدارک انقلاب منتشر می‌شد و پس از آن نشریات "نبرد دانشجو" و "نبرد دانش‌آموز" و وظیفه تبلیغ و ترویج در صفوف پیشگامان را پی گرفتند. "نبرد دانش‌آموز" بویژه با اقبال وسیع خوانندگان روبرو شد و توانست نقش بسیار موثری در سازمانگری صفوف جوانان پیشگام و هواداران آن و حتی در میان توده جوانان میهن‌مان بازی کند. پس از توقف انتشار این نشریات در بهار سال ۶۰ بولتن داخلی "با جوانان"، نوجوانان، ستون فقرات سازمان ما بود. به دنبال ضربات سال ۶۰ و با یک توقف دو ساله، نشریه پیشگام در تابستان ۶۴ شروع به انتشار کرد.

"پیشگام" در شرایط سرکوب و دیکتاتوری قرون وسطایی آخوندهای حاکم بر میهن‌مان، اکنون ۳ سال است که منظم به حیات رشد یافته خویش ادامه می‌دهد. "پیشگام" تلاش داشته و دارد که در این اوضاع دشوار، مبلغ، مروج و سازمانده صفوف جوانان پیشگام ایران باشد، اما به صراحت باید اذعان کرد که هنوز نتوانسته است به تمامی اهداف خویش دست یابد.

برای انجام رسالت خود، "پیشگام" در وهله نخست بر تلاش اعضا و هواداران سازمان جوانان متکی است. "پیشگام" - چنانکه تا امروز هم بوده و بیش از گذشته - نه فقط توسط عده محدود هیأت تحریریه‌اش، بلکه

ستمی که بر مامی رود

گزارشی به نقل از "پیشگام" شماره ۳۷ (نخستین شماره سال چهارم)

چاره‌ای جز خوردن این دوی مرگ‌آور را ندارند. زندگی برای هم‌سن و سالهای ما خیلی یکنواخت و خسته کننده است. بنابر این هر تفریح سالم و ناسالمی آنها را جلب می‌کند، دنبال هکس هنرپیشه‌ها، نوار موسیقی، لباسهای عجیب و غریب و خلاصه کارهای دیگر می‌روند تا شاید زندگی رنگ تازه ای گیرد.

بچه‌هایی که به سر بازی می‌روند، امیدی به زنده برگشتن از خدمت ندارند و تازه، وقتی هم برگردند احوال و بیکاری است. در جمع جوانان که بنشینید، جمعی که اصلا سیاسی هم نباشد از اوضاع مملکت ختم صحبت می‌شود و حتما بسیاری از آنها مخالف رژیمند، آرزوی بسیاری از مایان یافتن جنگ است. خیلی از بچه‌ها از این که در چنین دوره‌ای به دنیا آمده‌اند ناله می‌کنند، دوره‌ای که در آن مرگ دوستان چیز بی‌هادی است، دوره‌ای که جنگ و خونریزی پایان ندارد، همه به آینده فکر می‌کنند و به شدت از آن

"... جوانهای مملکت ما انگار قشر فراموش شده جامعه هستند و اساسا کسی توجهی به آنها و زندگی‌شان نمی‌کند. اکثر ا بی‌هدف و سرگرداند. به دلیل فشار زیاد، جوانها روز به روز بیشتر به فساد نزدیک می‌شوند، الان شغل بسیاری از بچه‌ها کاریه فیلم ویدئو یا خودویدئو، درست کردن مشروبات الکلی و فروش آنها و بدتر از همه وارد شدن در کار مواد مخدر است. هیچ آینده‌ای برای تحصیل و ادامه آن وجود ندارد. بخصوص برای پسرها سربازی مسئله اصلی است و اینکه چگونه می‌توان از آن فرار کرد. آنهایی که دستشان به دهن می‌رسد، راهی خارج می‌شوند اما اکثریت بقیه بالاخره چاره‌ای ندارند جز سربازی رفتن. چرا که برای پیدا کردن شغل باید معافی داشت و برای راه رفتن در خیابان هم کارت پایان خدمت ضروری است. این دستور دولت است. فراریان از سربازی هم زیادند اما بسیاری از آنها هم سرانجام

بامدد انبوه یا رانش در سراسر کشور تمیه و منتشر می‌شود. اکنون بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد که آن دسته از جوانان ما که استعداد و توانی در نوشتن دارند، وظیفه خبرنگاری برای پیشگام را وظیفه جدی خود تلقی کنند. چه در میان گروه‌های مرتبط با سازمان و چه در میان گروه‌های موادار (و حتی در میان جوانان منفرد و ترقی‌خواه) باید افرادی علاقمند در این زمینه معین شوند تا این وظیفه را به دوش گیرند.

آنها باید چه با تجربه شخصی و چه از طریق ارتباطاتی که با سایر رفقا و دوستانشان دارند، به جمع‌آوری اخبار و گزارش از زندگی و مبارزه جوانان میهن‌مان بپردازند، رپرتاژهایی از گوشه‌های مختلف زندگی جوان ایرانی در جبهه، دانشگاه، مدرسه، کارگاه و روستا تهیه کنند، به تحقیق پیرامون معضلات مختلف اجتماعی از بیکاری، مسایل دختران جوان، اوقات فراغت جوانان، ورزش، کانوهای فرهنگی و هنری بپردازند و موادی مستند و متکی به آمار ارقام و فاکت‌های متعدد آماده کنند. مصاحبه با جوانان از گروه‌های مختلف اجتماعی ترتیب دهند، به تصویر زنده و ادبی منظره‌هایی از زندگی پسران و دختران جوان میهن‌مان اقدام کنند. تازه‌ترین ابتکارات را در کار تبلیغ، فعالیت توده‌ای و سازمانگرانه، ایجاد تفکک میان جوانان، تشکیل روزنامه‌های دیواری و نشریات مختلف در مدارس و محلات، جمع‌بندی کنند.

♦♦♦♦♦

از همه اعضا و مواداران سازمان در خارج از کشور هم طلب کمک جدی و همه‌جانبه به "پیشگام" را داریم. نامه‌هایی که از خانواده و دوستان دریافت می‌کنند و حاوی مطالب جالبی است، خبرهایی که خبرنگاران پیشگام از داخل کشور به آدرس آنها می‌فرستند، اطلاعاتی که از آشنایان مسافر به خارج دریافت می‌کنند و بالاخره انعکاس زندگی و مبارزه صدها هزار جوان مهاجر ایرانی در خارج کشور - که از وظایف حتمی پیشگام است - باید توسط این رفقا و دوستان به دقت نشریه برسد. مادر سازمان‌های خارج کشور نیز رفقای علاقمند و با استعداد را به همکاری با "پیشگام" به مثابه خبرنگاران آن دعوت می‌کنیم.

نقاشی‌های خیلی زیبایی هم می‌کشید. اما حسین دیگر نیست. از یک ماه پیش دیگر نیست. او به خاطر وضع دشواری که خودش و خانواده‌اش داشت، رگهای دستش را زد.

حلی از هم محلی‌هایی است که ۱۴ ماه خدمت کرده است. تاکنون در خط مقدم بود و چندبار تادم مرگ رفته است. ماه ششم خدمت، مادرش فوت کرد ولی به او نگفتند تا مبادا فرار کند. حلی حالا هر وقت که به مرخصی می‌آید سراغ مجلس دود می‌رود. می‌گوید برای اینکه ساهتی در این دنیا نباشم و به فضا بروم، این کار را می‌کنم. می‌گوید جبهه بهترین جا برای نشنگی است، چون نه کسی است که مزاحم شود و نه کسی مخالف است، بنابر این راحت و با خیال آرام به فضا می‌روند. حلی سابقا بچه بجوشی بود و باتمام بچه‌های محله رفیق، اما حالا که گاه گداری می‌آید فقط در خودش است، بی‌خیال دنیا و کاری به کسی ندارد. منوچهر فرزند خانواده‌ای است که پدرش کارمند جز شهرستانی است. برادرش پاسدار است و پدرش مذهبی بسیار متعصب. خودش هم زمانی نماز می‌خواند اما بقیه در صفحه ۹

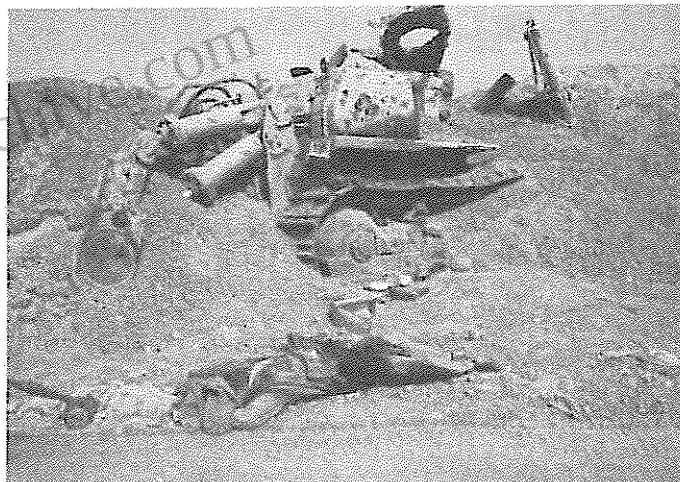
بیمانکند، چون هیچ چیز مشخصی در آن دور دست معلوم نیست. نوعی گیجی در همه وجود دارد، زمان می‌گذرد و هیچ تسکین خاطر نمی‌یست.

برای آنکه تصویری واقعی نسبت به وضع جوانان داده باشم، چند نمونه از محله خودمان را مثال می‌زنم: حسین که الان ۷ سالی است در محل ما زندگی می‌کند، از بچه‌های جنگ‌زده خرمشهر است. ۲۳ ساله است و در یک خانواده ۱۵ نفری زندگی می‌کند. همه خواهرها و برادرها هر کدام در گوشه‌ای مشغول به کارند ولی وضع مالی‌شان بخور و نمیر است. حسین بچه بسیار با استعدادی است. با وجود اینکه کار می‌کرد، دوبار در کنکور قبول شد و رتبه خیلی خوبی هم آورد، اما هر دوبار در تحقیقات مردود شد. حسین، جوان خیلی با اخلاقی بود، هر کس او را می‌دید خیلی دوستش داشت. به خاطر دفاع از حق چندبار کارش را در کارگاه‌های مختلف از دست داد. حسین اگر سر حال بود

نظارت سازمان ملل بر آتش بس

بر امر برقراری آتش بس بین ایران و عراق، یک هیات ۳۵ نفره از نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد نظارت خواهد کرد که اعضای آن از روز ۲۹ مرداد در مناطق مرزی مستقر می شوند. اعضای هیات از ۲۴ کشور فراهم آمده اند: آرژانتین، استرالیا، بنگلادش، دانمارک، فنلاند، هندوستان، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، یوگسلاوی، کانادا، کنیا، مالزی، زلاندنو، نیجریه، نروژ، اتریش، لهستان، زامبیا، سنگال، سوئد، ترکیه و مجارستان. سرپرستی هیات بر عهده ژنرال اهل یوگسلاوی اسلاو کویویچ است. امور مخابرات را کانادا عهده دار شده است. اقامت ۶ ماهه این هیات در مرز ایران و عراق ۷۴ میلیون دلار خرج بر می دارد. اکنون یک مشکل مهم برای سازمان ملل تامین این مخارج است. سازمان ملل به لحاظ مالی در آستانه ورشکستگی قرار دارد. علت این امر در درجه اول آن است که آمریکا حاضر نیست سهمیه خود به سازمان ملل را بپردازد. هم اکنون آمریکا حدود ۴۶۷ میلیون دلار به سازمان ملل بدهکار است.

پرزو کوئیار برای تامین مخارج استقرار هیات نظارت بر آتش بس در مرز ایران و عراق از همه کشورها تقاضای کمک مالی کرده است. آمریکا به این تقاضا چنین پاسخ گفته: کشورهایی باید در این زمینه کمک کنند که از آتش بس منفعه می برند. نفع آتش بس به جیب ژاپن و کشورهای منطقه خلیج فارس می ریزد پس این کشورها باید مخارج نظارت بر آتش بس را تامین کنند!



عوامل رژیم خمینی با شتابزدگی شعارهای "جنگ تا پیروزی" و "راه قدس از کربلا می گذرد" را از دیوارها پاک می کنند. بدیهی است که مردم چه می گویند: رنگ بارک نمی شود شعارها را از دیوارها می زدایند، اما با این تصاویر تکان دهنده که در ذهن همگان نقش بسته است چه می کنند. به خانواده این سرباز چه پاسخی می دهند؟ کشتگان جنگ تقاص می طلبند.

فقط جمهوری اسلامی

اسلام پناه نیست!

پس از اعلام خبر تعیین تاریخ آتش بس، صدام حسین که به خود لقب پیروز داده است، به زیارتگاهی در سامره رفت تا شکر به جا آورد و بدینسان نشان دهد که او نیز از امدادهای فیزی بر خوردار بوده است. فقط جمهوری اسلامی اسلام پناه نیست. صدام هم موجود مومنی است.

تاریخ برقراری آتش بس اعلام شد:

۲۹ مرداد، ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه

پتیه از صفحه اول

بطور رسمی این درخواست را پذیرفتند، اما همانگونه که انتظار می رفت و همچنان انتظار می رود دست از تحریکات خود برداشتند. فوراً شکایت بردن به شورای امنیت آغاز شد. جمهوری اسلامی شکایت کرد که جنگنده های عراقی بر فراز آسمان چند شهر ایران ظاهر شده و دیوار صوتی را شکسته اند. عراق هم شکایت کرد که قوای جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه ۲۰ مرداد ۴۰۰ خمپاره بر روی مواضع عراق در جبهه جنوبی پرتاب کرده است.

در هفته گذشته دو هیات که هر یک مرکب از پنج نفر است، از سوی سازمان ملل به ایران و عراق رفتند تا در آنجا ضمن آماده سازی مقدمات استقرار هیاتهای نظارت بر آتش بس، از هم اکنون بر نقل و انتقالات نظامی کنترل داشته باشند. در ضمن مقدمات مبادله اسرا نیز فراهم می شود. صلیب سرخ جهانی در همین رابطه مشغول مذاکره با مقامات تهران و بغداد است.

پس از برقراری آتش بس، مذاکرات صلح آغاز خواهد شد.

جمهوری اسلامی همچنان می کوشد نطفه های تشنج با برجا بمانندو مذاکرات صلح پیشرفت روشنی نداشته باشد. در هفته

گذشته رفسنجانی شرایط جمهوری اسلامی برای برقراری صلح را اعلام کرد. "اعلام عراق به عنوان متجاوز" و پرداخت ۳۵۰ میلیارد دلار خسارت جنگی رئیس اصلی این شرایط است. عراق نیز بطور غیر رسمی و زمزمه وار، خلاف قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر ساحل شرقی شطالعرب را مرز دو کشور اعلام کرده است. هلیشمر این تشنج آفرینی ها و طرح چنین شرایطی، هنوز نمی توان در مورد آینده این شرط گذاری ها نظر قطعی داد. علاوه بر تاثیر عوامل داخلی، عوامل خارجی نیز قویا بر روی مذاکره بر مبنای این شرایط تاثیر خواهند گذاشت. مذاکره صلح در ژنو، برای جمهوری اسلامی یکی از اجزای مجموعه مذاکراتی است که در حال انجام آن است و یا تدارک آنها را دیده است. در حال حاضر مذاکرات دیگر، از جمله با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، برای رژیم در اولویت قرار دارند. لکن رژیم در ژنو تا حدودی تابع حد شمر بخشی این مذاکرات است. مذاکره با آمریکا نیز در خفا و با کشورهای اروپای غربی آشکارا جاری است و مجموعه آنها رژیم را وامی دارد که رفتار محتاطانه ای داشته باشد. رژیم یک رکن ثبات بخشی به وضعیت خود را در روی میز این قبیل مذاکرات جستجو می کند.



انحصارات امپریالیستی

برای سهم بری از "بازسازی" یورش آورده اند

طی یک ماه اخیر تهران یکی از پرترددترین مراکز دیپلماتیک منطقه بود. هفته گذشته پیش از آن که نمایندگان انحصارات ایتالیا، ژاپن و استرالیا تهران را ترک کنند، فرستاده ویژه تاجر وارد ایران شد. "روجر" وزیر تجارت ایتالیا که در راس یک هیات اقتصادی ۵۰ نفره از تهران دیدار کرد، در پایان، با انبوهی قرارداد تازه در رابطه با فولاد مبارکه، اسکله بندر عباس، پالایشگاه نفت و... به رم بازگشت و بیل هایدن وزیر امور خارجه و تجارت استرالیا در پایان دیدارهای خود، خشنود از توافق های حاصله، ایران را کشور ثروتمندی خواند که تاکنون استرالیا از توجه بیشتری به آن غافل بوده است.

در توکیو اعلام شد که وزارت صنایع و بازرگانی ژاپن "میتی" با اعطای یک وام چهارصد میلیون دلاری جهت احداث پالایشگاه بندر عباس با ظرفیت روزانه ۲۳۰ هزار بشکه موافقت کرده است. احداث پالایشگاه به شرکت های "میتسویی"، ماروبنی و سومیتو که بخش ژاپنی کنسرسیوم ژاپن - ایتالیا را تشکیل می دهند واگذار شده است.

روز جمعه، تهران میزبان دیپلمات "برجسته" بریتانیایی بود. "دیوید ردی" دیپلماتی که فارسی را نیز به خوبی صحبت می کند قرار است دو تا سه هفته میهمان جمهوری اسلامی باشد. وزارت امور خارجه اعلام داشت که "ردی" به عنوان نماینده وزارت خارجه انگلیس طی اقامت خود در تهران با مقام های جمهوری اسلامی در زمینه روابط دوجانبه گفتگو خواهد کرد. در لندن نیز دولتمردان بریتانیایی می گویند "ردی" را

برای ارزیابی اوضاع ایران برای دو سه هفته به تهران فرستاده اند. قرار است فرستاده تاجر، نظرات خود را در زمینه بهبود و گسترش مناسبات با ایران به لندن گزارش کند تا روابط کامل از نواحیا شود.

از سال گذشته که سفارت بریتانیا در تهران تعطیل شد، "ردی" نخستین دیپلمات بریتانیایی است که رسماً از ایران دیدن می کند. یکی از مسایل مورد گفتگو میان ایران و بریتانیا، مسئله گروگانهاست. دو روز پیش از ورود فرستاده تاجر به تهران، محمدرضا سعید محمدی از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هازم لندن شد و در آنجا با استقظ اعظم کلیسای کاتدری پیرامون مسئله گروگانها به گفتگو پرداخت. روز پنجشنبه سفارت ایران در لندن طی بیانیه ای اعلام داشت که ایران آماده است جهت آزادی گروگانهای غربی همکاری کند. در این بیانیه گفته شد که جمهوری اسلامی راههای کمک متقابل را مورد بررسی قرار داده است. در پی انتشار بیانیه، محمد آخوندزاده کاردار سفارت ایران در لندن نیز طی گفتگویی با تلویزیون بریتانیا آمادگی ایران را برای رفع موانع گسترش روابط با بریتانیا اعلام کرد. در تهران نیز ولایتی در شبکه دوم تلویزیون ظاهر شد و استقبال جمهوری اسلامی را از "ردی" نمایند وزارت امور خارجه بریتانیا مورد تأیید قرار داد.

"ردی" از سوی آمریکا نیز که ۹ گروگان در دست گروه های لبنانی طرفدار جمهوری اسلامی دارد مذاکره خواهد کرد تا مشکل گروگانها از سر راه روابط ایران و آمریکا برداشته شود.

کاهش شدید قیمت نفت سیاست خریدهای نفتی خود به روش "خرید شناور" و قرارداد موقت تغییر داد و اعلام داشت که ایران باید بازهم در قیمت نفت خود تخفیف دهد. فروش ارزان نفت توسط ایران و تولید بیش از نظام سمیه ای عراق بازار فروش اوپک را بیشتر دستخوش سیاست "خریداران" کرده است.

به نوشته روزنامه الشرق الاوسط چاپ ریاض اوپک اخیراً اعلام کرده است ایران و عراق چنانچه از سیاست تثبیت وضع بازار نفت اوپک در جهان حمایت کنند، هر دو کشور می توانند از حمایت مالی اوپک برخوردار شوند. کارشناسان اوپک معتقدند عراق بیش از دو برابر سمیه خود نفت تولید می کند و ایران برای حفظ بازار خود، تخفیف بیشتری به مشتریان می دهد.

تصویب قانون مجازات

مشمولین غایب نظام و وظیفه

هلیرفم تحولات جاری در مورد جنگ، جمهوری اسلامی همچنان مشغول بگیر و ببند مشمولین فراری از جبهه های جنگ است. هفته گذشته شورایی عالی پشتیبانی جنگ قانون تازه ای

برای مجازات مشمولین فراری و غایب "به تصویب رساند. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که بنا به تصمیم شورایی پشتیبانی جنگ، مجازات شامل آن دسته از "مشمولین فراری و غایبی خواهد شد که تا تاریخ ۱۹ شهریور سالجاری خود را به مراکز ذیربط معرفی نکنند."

بر اساس همین گزارش، در مصوبه شورایی پشتیبانی جنگ برای کسانی که با جعل یا تقلب موجبات معافیت از خدمت افراد مشمول خدمت وظیفه را فراهم کرده اند مجازاتهایی در نظر گرفته شده است.

پیش از تصویب قانون مجازات مشمولان، خامنه ای رئیس شورایی عالی پشتیبانی جنگ روز ۱۱ مرداد طی سخنرانی خود در اهواز، از رفسنجانی جانشین فرماندهی کل قوا خواست که مجازات فراریان را شدت بخشد. به دنبال آن رزمجو رئیس اداره وظیفه همومی در گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: طرحهایی در دست اجراست که تقریباً خدمت وظیفه فراریان و غایبین به چند برابر افزایش یافته و هر زمان که دستگیر شوند حتی پس از پایان جنگ نیز با همان ضوابط زمان جنگ با آنان رفتار و به اشد کیفر مجازات خواهند شد.

بازیهای المپیک سئول

بلا تکلیفی جمهوری اسلامی

به آغاز بازیهای المپیک ۸۸ سئول کمتر از ۲ ماه باقی مانده است و جمهوری اسلامی هنوز نسبت به شرکت یا عدم شرکت در آن نتوانسته است تصمیم بگیرد.

هفته گذشته تقی وند مسئول فدراسیون وزنه برداری اعلام داشت که وی به علت ضعف بیش از اندازه تیم وزنه برداری ایران، با حضور ورزشکاران این رشته در المپیک مخالف است. تقی وند در گفتگویی با مطبوعات با اشاره به نتایج عملکرد تیم ملی در دو سال اخیر اظهار داشت: "من معتقدم که نباید در المپیک سئول شرکت کنیم چون مقامی بدست نخواهیم آورد اما کمیته المپیک اصرار دارد که چند وزنه بردار به سئول اعزام شوند." وی افزود که هلیرفم نظر خود به دستور کمیته المپیک "چند نفری را که آماده تر از بقیه بودند را به کمیته معرفی کرده است"

رئیس فدراسیون وزنه برداری پیرامون هزل ضعف تیم وزنه برداری ایران گفت: "فقر امکانات و کمبود بودجه هلت اصلی پس رفت وزنه برداری می باشد. علاوه بر این همه انگیزه ها در وزنه برداران ما رده است."

قرار بود در المپیک ۸۸ سئول ایران تنها در چهار رشته وزنه برداری، کشتی، دوچرخه سواری و کاراته شرکت کند، در هر چهار رشته ذکر شده، تیم ها در ضعیف ترین موقعیت خود بسر می برند. به این ترتیب حضور ایران در بازیهای المپیک برای سومین بار طی ۱۲ سال اخیر در پرده ابهام باقی مانده است. هم اکنون نیز به تصمیم مسئولین تمام فعالیتهای ورزشی در سطح کشور "تا بازگشت رزمندگان از جبهه" تعطیل شده است.

اعلام آمادگی جمهوری اسلامی
برای امضا قرار داد با آمریکا

کاظم پوراردبیلی معاون وزارت نفت جمهوری اسلامی در امور بین المللی اطلاع داد که ایران آماده امضای قرارداد با کمپانی های نفتی آمریکایی است. کاظم پوراردبیلی گفت که به نظر وی در زمینه انعقاد موافقت نامه با شرکت های آمریکایی هیچگونه مشکل لاینحلی وجود ندارد و ایران آماده است با آن دسته از انحصارات آمریکایی که تمایل به معامله دارند قرارداد ببندد.

معاون وزیر نفت که با روزنامه انگلیسی زبان "تهران تایمز" مصاحبه می کرد با اشاره به سیاستهای نفتی ژاپن و فرانسه، از این دو کشور خواست که روابط با ایران را "دوستانه تر" سازند. معاون وزیر نفت در زمینه فروش نفت به ژاپن گفت: عرضه نفت ایران به ژاپن به سطح ۲۵۰ هزار بشکه در روز تنزل کرده و این میزان با سطح عرضه ای که قبلاً به این کشور فروخته شده و ۳۱۲ هزار بشکه در روز بود قابل مقایسه است. ژاپن به دنبال اجلاس هشتاد و سه اوپک و

«شیمیایی‌ها»

بخشی از یک گزارش از یک روستای بمباران شیمیایی شده در کردستان



وقتی وارد یکی از روستاهای بمباران شیمیایی شده (نژمار) شدم، در نظرم صحنه‌هایی از فیلم‌ها که مناطق طاعون زده قرن نوزده را نشان می‌داد مجسم نمودم که اکنون به واقعیت تبدیل شده و جلوی چشم حاضر بود. وحشتناک است، پس از لاشه حیوانات که اول روستا به چشم می‌خورد، در اولین کوچه پیرمردی را می‌بینم که بر بالای سر چند جنازه ایستاده و با تمام وجود ناله می‌کند دلداریش می‌دهم بی‌توجه به حرف‌هایم می‌گوید، این دخترم، آن دامادم و بچه‌ها و آنوقت فریاد می‌کشد کو؟ کجاست خدا؟ وقتی می‌بینم دلداریم داغ پیرمرد را زیاده‌تر می‌کند، به کوچه دیگر می‌روم و ... اعضای یک خانواده که نتوانسته‌اند از دست مرگ بگریزند بناچار برای آنکه باهم بمیرند، به ردیف مثل اینکه بعد از یک روز خوش خواب رفته باشند، جان را نخواست به حافظان مرگ تقدیم کرده‌اند و در داخل خانه‌ها بچه‌های معصوم در کنار پدر، مادر، برادر، خواهر، بی‌خبر از همه جادو حین بازی، غذا خوردن، درس خواندن، با همان حالت، طعمه بمباران شیمیایی شده‌اند. روستایی که باید در آغاز بهار، بوی گل و آوای بلبل از آن برخیزد، بوی

می‌زند مال و حیوانم را چه کنم؟ زبان بسته‌ها از بی‌آبی و بی‌فدایی می‌میرند. فکر می‌کنم، وقتی حاصل چندین سال زحمت و تلاش که بیش از چند راس بز و گوسفند نیست و با تمام وجود به آن وابسته است، نباشد، زندگی چه مضمومی خواهد داشت؟؟...

مرگ جان بدر برده‌اند چه کنند؟ به کجا پناه ببرد، چه کسی در دلش را لمس می‌کند؟ می‌گویم، اینجا آلوده است، به وسایل دست نزنید، چرا در اینجا مانده‌اید؟ با حالتی حزن انگیز و باندوده تمام می‌گوید کجا بروم؟ کجا را دارم؟ و تازه ما را در روستاهای دیگر راه نمی‌دهند، می‌گویند شما شیمیایی هستید. و در آخر حرف دلش را

مرگ می‌دهد و فغان بازماندگان قربانیان. در اینجا بهار نیست، خزان نیست، خزان نوکله‌ایست که نشکفته پرپر شده‌اند. بیچاره‌ای که شهر به روستا پناه آورده بود تا زن و فرزندانش از زیر سایه بالهای مرگ کرکسان جنگ به روشنائی زندگی و امید به آینده بهتر هدایت شوند، و حالا در روستا طعمه مرگ شده‌اند؟؟؟ بازماندگانی که از

سلولهای انفرادی و در کل اسارتگاههای رژیم پراکنده است. نگرانی از خطر مملکتی که جان زندانیان سیاسی کشور را تهدید می‌کند، باید به کنش سیاسی فراخور فراورید. باید با تمام قوا مانع از تحقق سیاستهای اهریمنی رژیم خمینی گردید باید متحدانه به دفاع از جان زندانیان سیاسی کشور پرداخت. باید با برانگیختن حس همدردی و حمایت نیروهای صلحدوست و ترقیخواه بشریت مترقی را علیه سیاستهای مرگ‌آفرین رژیم خمینی بسیج کرد. با تلاش متحد و یکپارچه خود، رژیم را در اجرای سیاستهای ضدانسانی‌اش، فلج سازیم.

زندانیان سیاسی...

بقیه از صفحه اول

جنگ تا پیروزی، جوانان بیشمار را به مسلخ‌گاه کشید و سیه‌روزی عظیمی را نصیب مردم کرد. اینک رژیم ماشین جنگی را خاموش کرده و برای بقای خود، ماشین سرکوب را با توان بیشتر بکار انداخته است. حکومت فقها می‌کوشد تا با سرکوب مردم و از جمله اعدام انقلابیون اسیر، برج و باروی حکومت خود را از گزند خشم روبرو‌تزايد مردم در امان دارد. رژیم جفدهای شوم مرگ را در

تصحیح و پوزش

در شماره ۲۱۹ اکثریت در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان در باره اعدام گروهی دیگر از زندانیان یک اشتباه تایپی صورت گرفت. متن صحیح آن به قرار زیر است:

فدایی خلق، رفیق قهرمان فرامرز صوفی، از کادرهای

تشدید سرکوبی

علیه خلق کرد

بقیه از صفحه اول

خویش ادامه دهد. همبستگی بیشتر در درون این جنبش و درسگیری از همه تجربیات پیشین، خلق کرد را قادر خواهد ساخت که در مرحله تازه نیز مقاومت را پیش برد و پرچم رزم را برافراشته نگه دارد.

در چنین شرایطی حمایت فعال از جنبش خلق کرد ضرورت مضاعفی می‌یابد. به این حمایت باید ابعاد جهانی داد. بر ماست که در خارج از کشور تشدید سرکوبگری علیه خلق کرد را برای جهانیان بازگو کرده و طلب کنیم که حمایت بیشتری از این جنبش صورت گیرد. همدستی عملی سه رژیم ایران و عراق و ترکیه در سرکوب خلق کرد را افشا کنیم و مبارزات دلاورانه این خلق را پرتوان بازتاب دهیم.

اکنون رژیم با پایان یافتن جنگش با عراق، انرژی بیشتری از ماشین جنگی خود را به سرکوب خلق کرد اختصاص می‌دهد. رژیم عراق نیز هینا به چنین سیاستی رومی‌آورد و از هم اکنون به سلاحهای شیمیایی هم‌توسل بسته تا به زعم خود جنبش خلق کرد در عراق را مهار کند. برای ترکیه نیز فرصت مغتنمی پدید آمده است تا با وحشی‌گری بیشتری به سرکوب خلق کرد در ترکیه کمر بندد و در این زمینه به جمهوری اسلامی و عراق نیز یاری رساند. بدین سان سرکوب خلق کرد وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. این بار ابعاد سرکوبگری وسیعتر است اما به شهادت تاریخ جنبش خلق کرد خواهد توانست به مقاومت حماسی

برجسته سازمان ما، و رفقا سعید آذرنگ مبارز پرتوان، مقاوم و ثابت قدم، از کادرهای حزب توده ایران، کیومرث زرشناس عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، و نیز تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان اعدام‌شدگان هستند.

دور از میهن

پناهندگان ایرانی در تایلند در تنگنای مالی و امنیتی

وضعیت پناهندگان ایرانی در تایلند روز به روز وخیم تر می شود. در این راستا سیاست های دفتر پناهندگان سازمان ملل در تایلند نقش ویژه ای دارد. کاهش کمک هزینه بسیار ناچیزی که توسط این دفتر به پناهجویان پرداخت می شود، محدود کردن دایره افرادی که کمک هزینه دریافت می دارند و نپذیرفتن تقاضای پناهندگی بسیاری از متقاضیان از جمله فشارهایی است که بر پناهندگان ایرانی در تایلند

اعمال می شود.

طی چند ماه گذشته میزان پذیرش پناهجویان مجرد و اخیرا خانواده های پناهجو بشدت کاهش یافته است.

خانواده هایی که مسئولین دفتر پناهندگان قبل از اعلام نتیجه قبولی آنها را مشمول دریافت کمک مالی نمی کنند بشدت در تنگنای مالی قرار دارند. قبلا همه متقاضیان پناهندگی مبلغی جهت گذران زندگی دریافت می داشتند.

زندان پاکستان از زبان یک پناهنده ایرانی

در شماره ۳۷ بولتن "کانون پناهندگان ایرانی - کراچی" متن مصاحبه ای با یک پناهنده ایرانی به چاپ رسیده است. وی در آن از شرایط بقایت فیرانسانی زندان مرکزی کراچی سخن می گوید. این پناهنده به مدت ۶ ماه زندانی بود و بتازگی در نتیجه تلاش های کانون آزاد شده است.

در این شماره "اکثريت" جهت آگاهی خوانندگان از چگونگی رفتار پلیس فاسد رژیم ضیاالحق با پناهندگان و پناهجویان دستگیر شده، بخش هایی از این مصاحبه را درج می کنیم:

"۱۵ دسامبر از کویته با اتوبوس به طرف کراچی حرکت کردم، بی اطلاع از این که چه سرنوشت شومی در انتظارم است. نزدیکیهای کراچی که رسیدیم پلیس راه را بر ماشین بست و یکی از مامورین به داخل ماشین آمد و به بازرسی کیفها مشغول شد. وقتی به من رسید گفت: ایرانی و وقتی با جواب مثبت من روبرو شد از من تقاضای پاسپورت و یا همان "شناختی کارت" شد که من با خاطر آسوده با نشان دادن برگه های U.N خودم را مهرنی کردم، پلیس بدون توجه به این برگه، یقه پیراهن مرا گرفت و بزور از ماشین پائین کشیدند و همچنین مرا از ماشین پائین آوردند و از همانجا با کتک البته چند نفری تا داخل پاسگاه بردند و

مثل اینکه با قاتل فراری که چندین نفر را کشته و بعد از مدتی دستگیر شده است در چندین نوبت البته همراه با ضرب و شتم فراوان و اذیت و آزار همچنین پر خاش و توهین با من برخورد کردند و آخرش گفتند که فیرقانونی وارد پاکستان شده ای و مبلغ -/۲۰۰۰۰ روپیه باید بدهی تا آزاد شوی و من در جواب گفتم حتی یک شاهی هم پول ندارم و تحت تیمومیت سازمان ملل هستم. رئیس پاسگاه در جواب گفت که سازمان ملل در اینجا اعتباری ندارد و ما هر کاری که خواستیم می توانیم با پناهنده ها انجام دهیم. خلاصه بعد از اینکه برایشان ثابت شد که چیزی از من در نمی آید شروع به پرونده سازی کردند و به من گفتند که زیر پرونده ها را امضاء کن و وقتی با امتناع من مواجه شدند یکی از پلیسها را صدا کردند و شخص مزبور به جای من زیر پرونده را امضاء کرد.

درستترال جیل چه گذشت، وضعیت زندان چگونه بود؟

بعد از ورود به درستترال جیل می توان گفت وارد دومین مرحله از کل مشکلاتم شدم اول از همه می توانم به صراحت بگویم که در زندان درستترال جیل زندانی وجود خارجی ندارد و همچنین زندانی را به چشم یک حیوان نگاه می کنند و با طرح این مسئله که زندانی به معنی کسی که قوانین جامعه رازیر پا

گذاشته پس هر کاری که خواستیم می توانیم با زندانی انجام دهیم و این راهملائیات کردند بعد از ورود به داخل زندان تا نزدیکیهای فروب ما را در یک محوطه بصورت اتاقک فرم نگهداشتند و ساعت ۶ عصر ما را به طرف بارکها (بندها) بردند بعد از ورود به محوطه دیگری به نام نیوجیل ما را به بارک (بند) خارجیها انتقال دادند. اولین بار که شما وارد این بارک می شوید ناخود آگاه بیاد طویله می افتید که تعدادی انسان بنام زندانی در حال نگهداری هستند و باور کنید که این افراق نیست حتی طویله بهتر از بندهای زندان سنترال جیل است طول بارک ۴ متر و عرض آن ۱۰ متر که تعداد ۲۰۰ زندانی آنجا بسر می برند که اکثریت آنها افریقایی و همچنین عرب هستند که برای خرید مواد مخدر وارد پاکستان شده اند و در بازداشت بسر می برند و می توان گفت ۹۸٪ زندانیهای داخل بارک هروئینی هستند و در این میان به صراحت عنوان کنم فقط ایرانیها با کیس ورود فیرمجاز و پاسپورت جعل و تمام شدن ویزا (اورستیت) بسر می برند اول از جای خواب، جا برای خواب و نشستن بسیار کم است بطوریکه بعضی شما بعلت ازدحام زندانیها تا صبح بحالت نشسته می خوابند و زیرانداز به اندازه کافی نیست همچنین ظرف غذا و وسایل ضروری دیگر از قبیل صابون پودر رختشویی سیگار و وسایل دیگر به زندانی نمی دهند و باید خودتان یا از بیرون توسط ملاقاتیها و یا از داخل زندان از زندانیها قرض کنید و باور کنید که زندانی که در داخل زندان است اگر ملاقاتی نداشته باشد بعد از مدتی تلف می شود اما در مورد غذا صبح آبی برنگ خاکستری با نصف یک قرص نان تمام می شود ظهر و شب به طور مداوم هر روز نان و دال است آب و لفل بسیار زیاد معجون اصلی این غذا است همراه با نخود که خودش زندانیها را به انواع بیماریهای پوستی دچار می کند همچنین آب در داخل زندان بسیار کم است حتی بارها شده که بر سر آب زندانیها بجان هم افتاده اند و باسرو کله خونین از هم جدا شدند در داخل نیوجیل دو لوله آب وجود دارد. یکی مربوط به پاکستانی ها و یکی هم مربوط به خارجیها. صبح دو ساعت و شب یک ساعت از ایمن لوله ها آب می آید و این سه ساعت

چیزی حدود ۱۵۰۰ نفر زندانی را باید از لحاظ آب تامین کند حالا شما خودتان حساب کنید که سر آب گرفتن چه فوقا و الم شنگه ای بر پا می شود بارها شده که زندانیها تنگنای آب را هنگام مصیبت بر سر هم دیگر خرد کردند مسئله بهداشتی دستشویی ها است، دستشویی ها در واقع حفره هایی است با فاصله که در زمین کنده اند که نامش را گذاشتند مستراح که من خودم اولین بار وقتی به دستشویی رفتم به استغراق افتادم و حالم بهم خورد.

و اما حمام برای ما ایرانیها که جمع ما زیاد بود حمام رفتن بسیار مشکل بود چون تعداد ۳ دبه داشتیم که هفته ای یک بار هم نوبت هر کدام ما نمی شد ۴ دبه که ۲ نفری توانستند به حمام بروند آنهم موقعی که موفق به گرفتن آب شوند و دبه سومی را برای دستشویی استفاده می کردیم و جمع ما ایرانیها ۳۶ نفر بود ۲ دبه آب برای حمام تازه شما بعد از یک هفته و نیم بی حمامی آنهم تو آن محیط کثیف زندان با یک دبه که ۲۱ لیتر آب در آن جای می گیرد موفق به حمام رفتن می شوید و این هم در مورد حمام و بعد مسئله بعدی فساد اخلاقی و رشوه خواری مسئولین زندان و همچنین کادرهای پایین.

بیمارستان دادگاه

در بیمارستان داخل زندان به هیچ وجه جا برای زندانیهای بی پول نیست مریض برای خوابیدن در بیمارستان حتما برای یک هفته باید مبلغ ۵۰۰ روپیه آنهم بطور مخفی بصورت رشوه به رئیس بیمارستان بپردازد و وقتی وارد بیمارستان می شوید با کمال تعجب به قیافه مریضا خیره می شوید چون هیچکدام اینها مریض نیستند و اغلب شان زندانیهای قاچاقچی پولدار هستند که برای فرار از کار اجباری و همچنین از کمبود مواد غذائی داخل زندان با پولهای گزاف بیمارستان را می خردند البته همه اینها به اصطلاح مخفیانه صورت می گیرد. حالا شما پیش خودتان فکر کنید که حال آن زندانی بیچاره ای که وضعیت مالی اش خوب نیست و در حال مرگ است بخاطر اینکه تخت بیمارستان اشغال و آهی در بساط ندارد باید در بارک (بند) بحالت افما بیفتد تا در اولین فرصت جناب هزرائیل به سراش بیاید تا از این زندگی سراپا دلت و خواری راحت شود.

از مشکلات فیلم سازان ایرانی

کراختبار جمهوری اسلامی درباره زن و مشکلات فیلم سازان در این زمینه بازتاب یافته است بخشی از این مصاحبه را در زیر می خوانید:

در شماره ۲۵ مجله "آدینه" مصاحبه‌ای با کارگردان ایرانی بهرام بیضایی درباره آخرین فیلمش "شاید وقتی دیگر" به چاپ رسیده است. که در آن جلوه‌ای از دیدگاه ارتجاعی و

این است که هر جذابیتی به جذابیت جنسی تعبیر می‌شود. هنرپیشه خوب آن است که روی پرده دیده شود نه اینکه نادیده گرفته شود...

این فاصله باعث از دست رفتن فعل سرما شد. استفاده از پوشش سنگین و ظاهر به سرد بودن هوا که هنرپیشه را خسته می‌کرد و طبعاً در بازی او تأثیر می‌گذاشت. خانم تسلیمی هم بر اثر تجربیات قبلی مخصوصاً در فیلم مادیان دچار خود سانسوری می‌شد و فشار من برای خوب بازی گرفتن از او هم او را فرسوده کرد هم مرا و حتی بهترین نتیجه ممکن هم به دست نیامد. گناه اتفاق می‌افتاد که یکی از کارکنان صحنه به هنگام تمرین مسئله حجاب و نوع مقبولش را از روی حسن نیت تذکر می‌داد و تمام حس هنرپیشه بر هم می‌خورد. اما با همه این مشکلات ترجیح دادم از ترفندهای معمول استفاده نکنم...

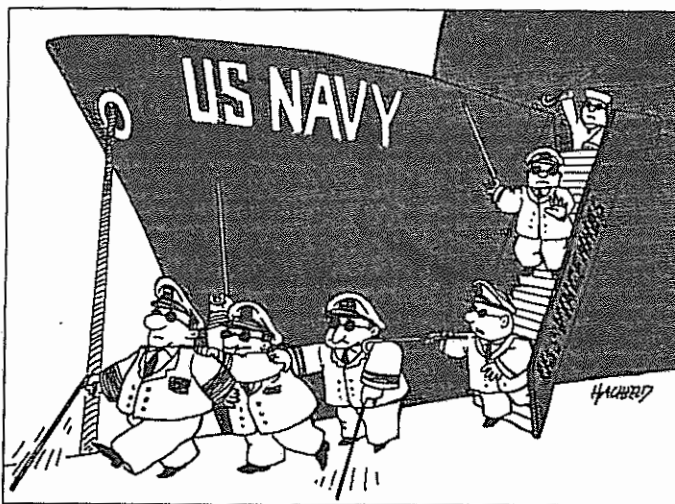
لحظه‌ای از تاریخ که بهایی برای گفتن داستان انتخاب می‌کند از تاریخی که داستان در آن اتفاق می‌افتد اهمیت بیشتری دارد. او درباره‌ای که اغلب فیلم سازان برای گریز از محدودیتها شخصیتها زن را یا از داستانهاشان حذف می‌کنند یا نقش او را به حداقل می‌رسانند و با او را آواره خیابانها می‌کنند تا پوشش و حجاب را توجیه کنند چنان درگیر مسئله است...

بی شک این یکی از اساسی ترین دلفشولها برای های فیلم ساز در تم فیلمش بوده و روبروشن با محدودیتها را سر او تحمل کرده است. "راه حلهای مختلفی به نظر من رسیده بود اما من راه روبرو شدن مستقیم با مسئله را انتخاب کردم. طرح حجاب به شکل حاضر مثل محدودیتهایی است که کسود پوزیتیو و نفس فنی لایبراتور ایجاد می‌کند و چنان ذهن فیلم ساز را به خود مشغول می‌کند و درگیر پیدا کردن راه حل برای آنها می‌شود که کمتر نیرو و توجهی برای مسئله اصلی که فیلم سازی است باقی می‌ماند. ما فعل را سرد انتخاب کردیم تا پوششها توجیه شود اما وقتی کار را شروع کردیم با بازی خانم تسلیمی مخالفت شه چون می‌گفتند جذاب است. یکی از مشکلات

آدینه شماره ۲۵

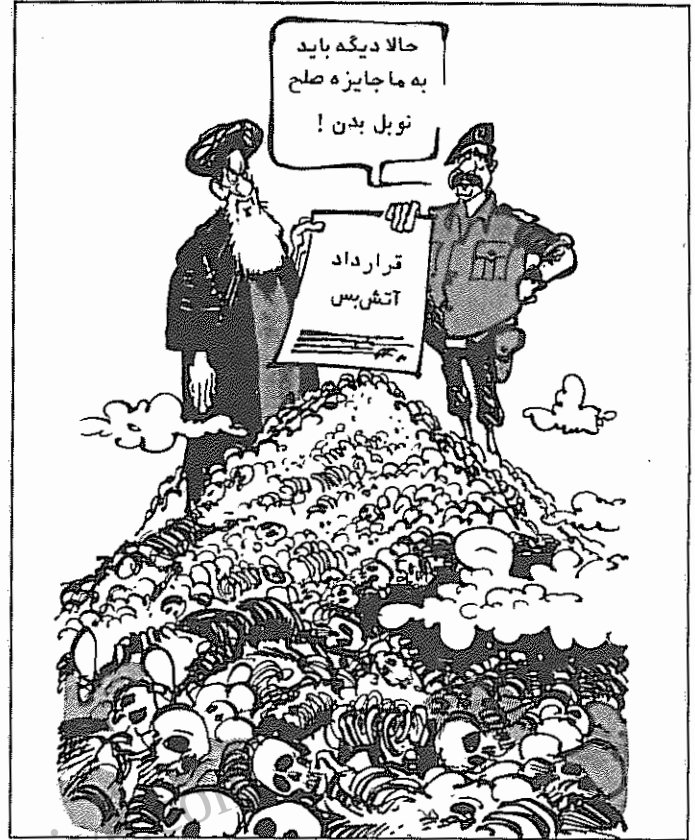
سخن روز

"اگر پذیرش قطعنامه به معنای نقطه ضعف و شکست در جنگ است، صدام این جنگ را موسوی اردبیلی در نماز جمعه ۱۴ مرداد



ارتش آمریکا

دستگاهها، هواپیمای ایرانی را درست نشان دادند، اما ما ندیدیم. کاریکاتور از روزنامه "تاگس تسایتونگ" چاپ برلن غربی



کاریکاتور از روزنامه آلمانی "آدینه تسایتونگ"

۴۳ سال بعد...

شد. در یک روایت کهن ژاپنی آمده است که هر کس ۱۰۰۰ لک لک کافذی کوچک بسازد، یک آرزوی او برآورده خواهد شد. ساداکو، به امید باز یافتن سلامت خود، شروع به درست کردن لک لکها کرد. او وقتی ۶۴۵ لک لک درست کرده بود، درگذشت...

هفته گذشته، جهانیان مراسم چهل و سومین سالگرد فاجعه هیروشیما و ناگازاکی را برگزار کردند. ۴۳ سال پس از این فاجعه، هنوز انسانهایی از عواقب آن می میرند. ساداکو ساساکی، دختر بچه‌ای بود که بر اثر فاجعه اتمی در ۱۲ سالگی به سرطان خون دچار

سلاخی کودکان برای سلامت ثروتمندان آمریکایی

درمان ثروتمندان مبتلا به بیماریهای کلیه، چشم، قلب و... کودکان خریداری شده را سلاخی می کردند تا اعضای بدن آنها به بیماران ثروتمند که دهها و صدها هزار دلار بدین منظور پرداخت می کردند، پیوند زده شود. این ماجرا برای نخستین بار توسط یک باز پرس اهل پاراگوئه عنوان شد. سفارت آمریکا در پاراگوئه از هر گونه اظهار نظر خودداری کرده است.

اخیرا پرده از یک جنایت هولناک یک باند آمریکایی برداشته شد. این باند کودکان متعلق به خانواده های فقیر را در کشورهای آمریکای لاتین تحت این عنوان که ثروتمندان آمریکایی می خواهند آنها را به فرزند بی پذیرند، از والدینشان خریداری می کرد و به آمریکا می برد. در آمریکا این کودکان در اختیار آزمایشگاههای پزشکی قرار می گرفتند تا روی آنها تأثیر داروهای شیمیایی آزمایش شود، و یا در بیمارستانها برای

تعریف شده است. در این تعریف دو جنبه مورد تاکید قرار می گیرد. اولاً: چین یک کشور سوسیالیستی است و سوسیالیستی خواهد ماند، هر چند سوسیالیسم با "ویژگی چینی" ساخته می شود. ثانیاً: چین در مرحله اول ساختمان سوسیالیسم قرار دارد، و این نقطه آغاز است. آنگونه که طرفهای گفتگوی ما تاکید کردند، واقعیت این است: ۸۵ درصد جمعیت در روستا زندگی می کند و در تولید مواد غذایی بر پایه کاریدی شافل است. صنایع تا حد زیادی عقب مانده اند، سطح علمی و

آن رانیز می بینند. در همین حال ما واقعیت که امروز نیز اختلاف نظرهای آشکاری وجود دارد. در مواضع چین تغییرات مهمی دیده میشود. آنها از تز اجتناب ناپذیر بودن جنگ به حمایت از مذاکرات خلع سلاح رسیده اند. اما هنوز اختلافاتی در نوع برخورد ها و ارزیابی ها وجود دارد. یک نمونه، برخورد به ویتنام و کامبوج و نیز به آمریکای مرکزی است. در مورد دوم هلیبرفم قرارداد همکاری با نیکاراگوئه، چین کماکان تز رویارویی "دو ابر قدرت" در این منطقه را حفظ

تحکیم یکپارچگی جهان سوسیالیسم (و در وهله اول اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین، تناسب قوا گام به گام به سود نیروهای تغییر خواهد کرد که برای سوسیالیسم، راهی ملی و صلح مبارزه می کنند.

س: به نظر می رسد چنین فضایی در دیدارها با هیات های سایر احزاب کمونیست در پکن و نیز پایتخت های دیگر نیز حاکم بوده است؟

ج: واقعیت این است که همه این دیدارها حاکی از نزدیکی میان احزاب پس از سالها جدایی و

"کوئه پاسا" ارگان حزب کمونیست آرژانتین گزارش سفر چند ماه پیش هیات نمایندگی این حزب را به چین و نیز مصاحبه ای را با اعضای هیات به چاپ رسانده است. این مصاحبه و مقدمه آن را در زیر می آوریم:

با دیدارهای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین به ریاست اتوس ماوا و نمایندگان عالی رتبه حزب کمونیست چین، مناسبات دو حزب پس از وقفه ای ۲۷ ساله، از سر گرفته شد. در این دیدارها، تحولات امیدبخش جاری در یکی از بزرگترین کشورهای سوسیالیستی و نیز گرایش به نزدیکی مجدد آن به جنبش جهانی کمونیستی بازتاب یافت.

بدون تردید مصوبات کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین، تاثیر مثبتی بر این روند گذاشته است. این مصوبات، ثمره بازنگری انتقادی حزب به مواضع و اهداف اقتصادی و سیاست خارجی خود است. مواضع جدید، در گذشته از دیدگاه دکماتیسم فرسوده، رویزیونیستی قلمداد می شدند. مصوبات کنگره ۱۳ همچنین ثمره فائق آمدن پیگیرانه بر هواقب فلج کننده و آشوب آفرین "انقلاب فرهنگی" است.

اهمیت این روندها در مناسبات با اتحاد شوروی نیز نمایان است. در این رابطه تحولات همیتی نه تنها در موضع چین، بلکه همچنین در سبک جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی در مناسباتش با سایر احزاب دیده می شود. در جنبش کمونیستی نسیم دگرگونی می وزد. این همه، امیدبخش است و نوید پایان دادن به گسستی را می دهد که در دهه ۵۰ عازا شد و به جنبش انقلابی لطمه زیادی وارد آورد.

با همین سؤال، گفتگو با اتوس فاوا، فانی ادلمان و آنجل نگری، اعضای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین که به دعوت حزب کمونیست چین از ۱۵ تا ۲۷ مارس ۱۹۸۸ در این کشور ره سر بردند، آغاز شد.

همه ما انقلابیون در انتظار این نزدیکی مجدد بوده ایم. سخن بر سر مناسبات با یکی از بزرگترین کشورهای سوسیالیستی است که بیش از یک میلیارد نفر جمعیت و مساحتی برابر ۹/۵ میلیون کیلومتر مربع دارد، با کشوری که در استراتژی مبارزه جهانی علیه امپریالیسم دارای اهمیتی کلیدی است. با پیشرفت این روند، با

درباره تحولات در چین

اظهارات اعضای هیات نمایندگی حزب کمونیست آرژانتین در بازگشت از چین

تکنولوژیک، نازل است. ۲۵ درصد جمعیت بی سواد یا کم سوادند. میزان اجتماعی شدن تولید و رشد مناسبات کالا - پول، اندک است. چنین اوضاعی جستجوی راههایی را طلب می کند که با جهت گیری های اراده گرایانه نظیر "جوش بزرگ" متفاوت باشد. این همه نه به معنای کم بها دادن به دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم است، بلکه برعکس، امکان شناخت توان بالقوه آن را فراهم می آورد. در مدت کوتاهی، تولید ناخالص سرانه دو برابر شده، درآمد کارگران و دهقانان افزایش یافته و مشکل کمبود مواد غذایی برطرف شده است.

س: اصلاح مشی سیاسی در چه جهت انجام می گیرد؟

ج: جهت اصلی، آنگونه که از استاد کنگره برمی آید، جدایی روشن مسئولیت های حزب و ارگانهای دولتی، عدم تمرکز و تقلیل دستگاه اداری، فعال کردن سیاست حزب در مورد کادرها، گسترش دموکراسی سوسیالیستی، تقویت قانونیت، حمایت از ابتکار توده ها و ایجاد یک مکانیزم موثر گفتگو و مشاوره با مردم است.

س: شما تا چه حد توانستید در جریان دیدار خود، به هیئت حامد تحولات باشید؟

ج: به نظر من ما تنها توانستیم از دریچه کوچکی بنگریم، زیرا چین کشور بسیار بزرگی است و در ۱۲ روز تنها می توان با بخش کوچکی از آن آشنا شد. مادر جریان دیدار، گفتوهای با هوکویلی، عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی

کرده است. اما در این رابطه نیز نشانه های تغییرات مثبت و سازنده وجود دارد.

س: آیا در ست است که در محکوم کردن "انقلاب فرهنگی" و دکماتیسم حاکم در گذشته زوال تدریجی پایه های ایدئولوژیک جدایی حزب کمونیست چین از جنبش کمونیستی را ببینیم؟

ج: به نظر من آری. ژائوزیانک دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در کنگره ۱۳ از دو جوش تاریخی در رشد روند انقلابی در چین سخن گفت. جوش نخست، تصرف قدرت، و جوش دوم، محکومیت بیوه ماوو و "باند چهار نفره" معروف در سال ۱۹۷۸ از سوی کمیته مرکزی بود. با این گام بازنگری همیق به تحولات ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۸، یعنی دوره "جوش بزرگ" و "کمونهای خلقی" و "انقلاب فرهنگی"، زمانی که ارتش کنترل قدرت دولتی را به دست گرفت و سازمانهای سیاسی و توده ای را بی نفوذ کرد، و زمانی که یک ساختار نظامی - بوروکراتیک مدیریت شکل گرفت، آغاز شد. امروز، این دوره به عنوان انحراف به چپ ارزیابی می شود و "انقلاب فرهنگی" را "کمونیسم پادگانی" می دانند. بدیهی است که این ارزیابی ها بر مواضع همومی رفقای چینی نیز تاثیر گذاشته است.

س: کنگره ۱۳ ارزیابی های مهمی درباره این مسائل ارائه داد...

ج: آری دوره کنونی به عنوان "مرحله اول سوسیالیسم"

مناقشه است. در همین حال از تماسها تاثیر خود را بر این روند می گذارد. در حال حاضر حزب کمونیست چین با ۲۵۰ حزب و جنبش انقلابی رابطه دارد. به نظر ما این امر به وحدت نیروهای چپ، امر راهی ملی، شکل گیری پیشاهنگ انقلابی و مبارزه مشترک در راه سوسیالیسم یاری می رساند.

س: تبادل نظر در باره این موضوع در جریان دیدار چگونه پیش رفت؟

ج: ما پیگیرانه به اهمیت همهانگ احزاب کمونیست و نیروهای انقلابی در مبارزه با امپریالیسم اشاره کردیم و در همین حال بر نقش ویژه نزدیکی میان اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین، هم در رابطه با مبارزه ایدئولوژیک و هم در نمایاندن چهره سوسیالیسم در جهان امروز، تاکید ورزیدیم.

دشمنان ما بارها از اختلافات میان انقلابات پیروزمند مختلف، علیه ما سوء استفاده کرده اند. در جریان قلبه بر این تضادها، وحدت رزمجویانه ما تحکیم می شود و بر اعتبار نیروهای افزوده می شود که نه تنها اهداف روشنی فرا راه خود قرار می دهند، بلکه همچنین برادرانه در راه تحقق این اهداف مبارزه می کنند. ما گفتیم که این نظر ما با بسیاری از احزاب دیگر آمریکای لاتین مشترک است. طرفهای گفتگوی ما اطمینان دادند که آنها نیز در این جهت عمل می کنند و از اصلاحاتی که در زمان کار با جف آغاز شده اند، انتظار موفقیت دارند، هر چند موانع راه

اعلام آتش بس در انگولا

سختگویی وزارت خارجه شوروی در روز سه شنبه ۹ اوت ضمن اعلام پشتیبانی کشورش از توافق حاصله در مورد جنوب آفریقا اظهار داشت اتحاد شوروی امیدوار است بحران در این منطقه از طریق مسالمت آمیز حل شود. آتش بس در انگولا در ساعت ۱۷ روز دوشنبه آغاز شد. تاکنون خبری از موارد احتمالی نقض آن نرسیده است. قرار است در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۸، این آتش بس به آتش بس دائمی بر پایه قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت تبدیل شود.

اعلام کرد از تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۸ کلیه عملیات نظامی علیه نیروهای آفریقای جنوبی در نامیبیا را متوقف خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری رسمی سوایو، این اقدام برای کمک به روند صلح در جنوب آفریقا صورت می گیرد. سوایو اعلام کرده است انتظار دارد آفریقای جنوبی نیز آتش بس را رعایت کند.

اما باند ضد انقلابی اونیتا در لیسبون پایتخت پرتغال اعلام کرد عملیات خود را علیه دولت انگولا ادامه خواهد داد.



بیکارزمنده سوایو و کودکان نامیبیایی

بقیه از صفحه آخر

پیش بینی کرده اند که طبق آنچه در بیانیه مشترک آمده است، نتایج آن در همین روزها آشکار خواهد شد. مذاکرات چهار جانبه برای حل مسائل جنوب آفریقا در سوم ماه مه ۱۹۸۸ آغاز شد. در ۳ ژوئیه، چهار طرف یک بیانیه ۱۴ ماده ای شامل اصول حاکم بر راه حل سیاسی، انتشار دادند. در این بیانیه بر هدم مداخله، چشم پوشی از اعمال قهر و احترام به حاکمیت کشورهای ذی نفع تاکید شده است. قرار است از روز ۲۲ اوت در محلی که بعدا معین خواهد شد، دور بعدی مذاکرات آغاز شود. در توافق هفته گذشته، به آینده روابط باند ضد انقلابی اونیتا و رژیم آپارتاید اشاره ای نشده است. اما ناظران پیش بینی کرده اند که هدم حضور نیروهای آفریقای جنوبی در خاک انگولا و تخلیه نامیبیا، که میان آفریقای جنوبی و انگولا واقع شده است، به سرعت موجبات زوال اونیتا را فراهم خواهد آورد. بدنبال اعلام توافق انگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکا، سازمان خلق آفریقای جنوب غربی، سوایو، که به عنوان تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا شناخته شده است،

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، زولیانگ، مسئول شعبه روابط بین الملل کمیته مرکزی و بسیاری دیگر از رفقا داشتیم. ما توانستیم اهمیت سیاسی دعوت از حزب ما را به درستی دریابیم. ما ابراز تمایل کردیم که با زندگی مردم هادی آشنا شویم، و گمان می کنم میزبانان تلاش کردند خواهمش ما را برآورده کنند. درها همه جا باز بود: در پکن، زونگ شانگ و تیان بین ما از کارخانه ها، روستاها و مراکز تولید و فرهنگ دیدن کردیم. در مدیریت اقتصادی، آزمایشهایی، از جمله در زمینه همکاری با سرمایه خارجی، انجام میگیرد. اما هنوز زود است در این باره قضاوتی بیان داریم. ما شاهد مشارکت گسترده جوانان در امور حساس و همکاری یکپارچه آنها با پیشگسوتان بودیم. ما به تمجید بیعوده از کادرها برنخوردیم، بلکه برعکس در همه جا ارزیابی های واقع بینانه حاکم بود. اطلاعاتی که در اختیار ما قرار گرفت، حاکی از ارزیابی هشیارانه موقعیت است. با اینکه چینی ها از ضرورت قلبه بر فقر و عقب ماندگی سخن می گویند، ما در هیچ جانشان از مستمندی ندیدیم، پدیده ای که در کشور ما پدیده رایج است.

س: رفیق فاوا، وقتی این دیدارتان از چین را با دیدار هیات حزب کمونیست آرژانتین از چین در سال ۱۹۶۰ مقایسه می کنید، چه مشاهداتی را قابل تاکید می دانید؟

ج: آنچه در مقایسه با پنج ماهی که در آن زمان در چین گذراندیم و با تجارب انقلاب چین آشنا شدیم، این بار به نظر رسید، فضای روابط انسانی است. در آن زمان، تشنج، سوءظن و عدم اعتماد محسوس بود. امروز که دو حزب ما در جریان روند بازنگری انتقادی به مواضع گذشته خود به سر می برند، من خود را در میان رفقا احساس می کردم. گفتگوی ما، آزادانه و صریح بود. علیرغم پیچیدگی و تناقض روندهای امروز، چشم اندازها امیدبخش می نمایند. ما روی برنامه ای برای مبادلات آینده توافق کردیم که از جمله شامل دعوت از یک هیات نمایندگی رسمی حزب کمونیست چین برای یک دیدار متقابل، گسترش تماسهای مختلف در تحقیقات علمی و در سایر عرصه ها و نیز احیای مناسبات سازمانهای جوانان ما خواهد بود.

ستمی که بر مامی رود

بقیه از صفحه ۲

آرام آرام با دیدن کردو کارهای برادر و درگیری با پدر همه چیز را کنار گذاشته، از این به بعد خانه را برایش جهنم کردند. در دبیرستان هم، ناظم مدرسه با او درگیر شده و سرانجام اخراجش کرد. منوچهر شانس آورد که نزدیک یکی از اقوامش تعمیر و سایل برقی را یاد گرفت و به دلیل خصوصیت کارش توانسته است از سربازی هم فرار کند.

همکلاسیام محمد پسر خوش قلب و مهربانی بود. در آغاز عضو بسیج محله بود ولی با دیدن اوضاع آنجا از بسیج بیرون آمد، اگرچه اعتقادش را داشت. در آخرین اعلام اعزام به جبهه داوطلب شد. ما خیلی با او جرو بحث کردیم که منصرفش کنیم ولی می گفت که نمی تواند درس بخواند و بعد از بازگشت، امکانات برای رزمندگان زیاد است. اما محمد دیگر بازنگشت. تا چندماه اول هیچ خبری از او نبود تا سرانجام که

دین و مذهب ندارد دوازده آدم های خلاف روزگار است. لهجه اش کاملاً لاتنی است. مدتی است که عضو گشت کمیته شده و از مردم آزاری ها و کتک زدن هایش تعریف می کند از اینکه با اسلحه در خیابان راه می رود و قدرت زیادی دارد خیلی کیف می کند. از وقتی وارد کمیته شده، همه بچه های محل طردش کرده اند و به او اعتماد ندارند.

قطعا این نمونه هایی که آوردم، تصویر کاملی از تیپ های مختلف جوانان محل ما نیست، اما خلاصه مشتی نمونه خروار است. همیشه وقتی پای درد و دل بچه ها می نشینم به این فکر می کنم که آیا نمی شد که نیروی این همه جوان به جای هائل و باطل ماندن به کار مثبتی گرفته شود؟ آیا ممکن نیست که دستهای پر زور و قلب های پر شور این بچه ها برای آباد کردن این همه ویرانی استفاده شود؟

نمی دیم در جبهه فاو کشته شده است. جسدش را که آوردند همه بچه ها متأثر بودند. تا ماهها پس از این ماجرا هیچکس از مدرسه ما به جبهه نرفت، همه از انجمنی ها بیزار شده بودند و چند مورد هم با آنها گرد و خاک کردند اما بالاخره با تهدید دفتر هنرستان و اخراج چند نفر از بچه ها، اوضاع آرام شد. مسعود ۴ سال پیش درس رازها کرده است. جوان بسیار ضعیف و لاغری است و به زحمت آب دهان و بینی اش را جمع می کند. به دلیل همین شلی، بچه ها مسعود نشئه صداش می کنند. این اواخر عضو کمیته شده است. می گوید هم خدمت سربازی حساب می شود و هم حقوق می گیرد. به قول خودش نمی داند که سیاست را با کدام (س) می نویسند. تنها هشتش این که می تواند روزهای پنجشنبه و جمعه به خیابان ولی عصر برود و به قول خودش فو فول های آنجا را ادب کند. کوچکترین اعتقادی به

آغاز خروج نیروهای شوروی از کابل

نیمی از نیروهای شوروی افغانستان را ترک کرده اند

در هفته گذشته ۱۰۰۰ نفر از نیروهای شوروی مستقر در کابل، پایتخت افغانستان را ترک کردند و به کشور خود بازگشتند. نخستین گروه از این نیروها شامل ۵۰۰ نفر و ۱۰۰ خودرو در روز دوشنبه گذشته از کابل خارج شدند. به گزارش نشریه "ستاره سرخ" ارگان ارتش شوروی، با خروج واحدهای موتوریزه، توپخانه و کماندویی شوروی از شهر قندهار، دیگر در جنوب افغانستان نیروهای شوروی حضور ندارند. ژنرال باریس گراف فرمانده نیروهای شوروی در افغانستان در مصاحبه با روزنامه پراودا اعلام کرد خروج نیروهای شوروی کاملاً و دقیقاً مطابق توافقهای ژنو انجام میگیرد. تاکنون علیرغم ادامه جنگ اعلان نشده پاکستان علیه افغانستان، نیمی از ۱۱۵ هزار نفر نیروهای شوروی که تا واسطه ماه ۱۹۸۸ در افغانستان حضور داشتند، این کشور را ترک کرده اند.

هفته گذشته دیدار ادوارد شوارادزده وزیر خارجه شوروی از کابل پایان یافته در جریان ملاقات نجیب الله رئیس جمهور افغانستان و شوارادزده، جریان تحقق توافقهای ژنو مورد بررسی قرار گرفت. دو طرف به موارد جدی نقض سیستماتیک این توافقها از سوی پاکستان اشاره کردند و گفتند "تروریسم بین المللی علیه جمهوری افغانستان" هملا ادامه دارد. در بیانیه مشترکی که پس از پایان دیدار شوارادزده از کابل انتشار یافت، اعلام شد دو کشور اتحاد شوروی و افغانستان در صورت ادامه دخالت پاکستان در امور افغانستان، تصمیمات لازم را اتخاذ خواهند کرد. شوارادزده در کابل اظهار داشت کشورش به افغانستان در جلوگیری از نقض قراردادهای ژنو توسط پاکستان کمک خواهد کرد. وی افزود پاکستان با حمایت از ضدانقلابیون افغانی و تحویل کمکهای تسلیحاتی آمریکا به آنها، مرتکب تروریسم بین المللی می شود.

در هفته گذشته جنایات ضدانقلابیون افغانی ادامه یافت. شهر جلال آباد مورد حمله موشکی اشرار قرار گرفت که در جریان آن

۹ تن، از جمله ۷ کودک کشته شدند. همچنین در روز چهارشنبه یک موشک به کابل اصابت کرد و یک نفر را به قتل رساند. به گزارش مطبوعات شوروی، ضدانقلابیون افغانی به ویژه در استان قندهار پس از خروج نیروهای شوروی اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود را تشدید کرده اند. طبق آمار ارائه شده از سوی مقامات افغانی، در این استان ۳۸۹ گروه مسلح با ۱۷ هزار عضو فعالیت می کنند. از این تعداد، هم اکنون ۲۰۰ گروه با ۱۱ هزار عضو در عملیات ضد دولتی شرکت دارند. پراودا می نویسد گروههای ضدانقلابی در قندهار از رهبران خود در پیشاور پاکستان دستور گرفته اند به عملیات خود شدت بخشند تا بتوانند قندهار را تصرف کنند. افراطیون ضدانقلابی به رهبری گلبدین حکمتیار اعلام کرده اند می خواهند با تصرف قندهار، یک "دولت موقت" تشکیل دهند و افغانستان را عملاً تجزیه کنند.

به نوشته پراودا، علیرغم توافقهای ژنو، هم اکنون ۲۰ مستشار نظامی از آمریکا، چین، آلمان فدرال، پاکستان، ایران و عربستان سعودی در منطقه قندهار با ضدانقلابیون همکاری می کنند. بیش از ۳۰۰ تروریست در روزهای اخیر از پاکستان به منطقه قندهار نفوذ کرده اند.

روزنامه "سرخ" ارگان ارتش شوروی گزارشهای منابع غربی مبنی بر تصرف قندهار توسط ضدانقلابیون را تکذیب کرد. این روزنامه در گزارش خود از قندهار می نویسد در این شهر هادی شدن اوضاع مشهود است. خیابانها مملو از جمعیتند، وسایل نقلیه عمومی حرکت می کنند و کسب و کار رونق دارد. در همین حال این روزنامه می افزاید هنوز نمیتوان گفت آرامش و صلح به قندهار بازگشته است.

مطبوعات شوروی می نویسد ضدانقلابیون افغانی به تبلیغات خود در صفوف ارتش افغانستان دامن زده اند. این گزارشها می افزاید بخشی از روحانیت افغانستان کماکان با سیاست آشتی ملی دولت مخالفت می ورزد.

حوادث خونین در برمه

اصلاحاتی نیز انجام دهد این اصلاحات، که مورد تصویب پارلمان نیز قرار گرفتند، از جمله عبارتند از تشکیل موسسات اقتصادی مختلط و افزایش استفاده از سرمایه خارجی و افزایش کمک به بخش خصوصی به ویژه در کشاورزی و جنگلداری، به امید بهبود وضع توزیع و افزایش صادرات.

کشور ۴۰ میلیونی برمه در برابر دشواریهای جدی اقتصادی قرار دارد. قروض خارجی برمه به شدت افزایش یافته است. نرخ تورم به سرعت بالا می رود. از درآمدهای همایده از صادرات به شدت کاسته شده است. تولید نفت برمه رو به کاهش است. بخش بزرگی از داد و ستد داخلی از طریق بازار سیاه و به قیمت هایی صورت می گیرد که برای محروم ترین اقشار مردم دست نیافتنی است.

برمه با درآمد سرانه ای معادل ۱۸۵ دلار، از فقیرترین کشورهای جهان است. این کشور برای بازپرداخت ۳/۷ میلیارد دلار قروض خارجی خود، ناچار است ۸۰ درصد درآمد ارزی خود را به این امر اختصاص دهد. در نتیجه، سرمایه گذاری برای بهره برداری از منابع فنی فلز، سنگ های قیمتی، گاز و نفت ناممکن شده است. گسترش زیرساخت عقب مانده اقتصاد، را کد مانده است.

برمه یک کشور کثیرالمله است و نیمی از جمعیت آن، برمه ای نیست. از هنگام تشکیل دولت برمه در چهل سال پیش تاکنون، بطور پیوسته درگیری مسلحانه میان حکومت و نیروهای مختلف، به ویژه در مناطق کوهستانی و مرزی، وجود داشته است. مخالفان حکومت، که از حمایت خلقها و اقلیت های ملی ساکن این مناطق برخوردارند، خواهان خودمختاری و برابری اجتماعی اند. ناظران برآورد می کنند که در برابر ۱۹۰ هزار سرباز دولتی، ۵۰ هزار نفر مسلح وابسته به گروه های مخالف وجود دارند. این موقعیت بر بی ثباتی اوضاع می افزاید.

علاوه بر این، مناطق شمال برمه از مراکز کشت خشخاش است. تنش های ناشی از این امر نیز نقش خود را در وخیم تر کردن شرایط ایفا می کند.

بقیه از صفحه آخر
مردم، ۴۰ نفر توسط پلیس و ارتش به قتل رسیدند.

آنچه بیش از هر چیز خشم اهالی رانگون و به ویژه دانشجویان را برانگیخت، برگماري اوسین لویین به سمت رئیس جمهور و رهبر جدید حزب حاکم بود. لویین در میان مردم به عنوان مسئول سرکوب تظاهرات ظرف چند ماه گذشته شناخته شده است. بنابه گزارش هایی، تا پیش از انتخاب لویین به ریاست جمهوری، در جریان این تظاهرات ۲۰۰ تن به قتل رسیده بودند.

آغاز اعتراضات کنونی به یک سال پیش باز می گردد. در آن هنگام، وضع توزیع مواد غذایی در برمه، که به عنوان "کاسه برنج آسیا" شناخته شده است، رو به وخامت نهاد. برمه که زمانی به مقدار زیاد برنج صادر می کرد، برای نخستین بار ناچار به وارد کردن برنج شد. ناظران، علت این امر را پایین بودن بهای خرید برنج از سوی دولت، و در نتیجه خودداری دهقانان از تولید برنج بیش از حد نیاز خود و یا عدم فروش مازاد برنج به دولت می دانند. کمبود برنج، قیمت ها را در بازار سیاه به سرعت بالا برد. در فاصله ژانویه تا ژوئیه ۱۹۸۸، بهای برنج ۴۰۰ درصد بالا رفت. اصلاح نظام پولی برمه برای چندمین بار، محرومیت بیشتری برای بسیاری از مردم به بار آورد و بر وخامت اوضاع افزود. دولت، یک شبه اعلام کرد که چند نوع اسکناس دیگر فاقد ارزش است و حتی قابل معاوضه با اسکناسهای جدید هم نیست!

افزایش محرومیت مردم در کنار رونق فساد و اختلاس و رشوه خواری در میان کارکنان عالی رتبه دولت، زمینه مساعدی برای اعتراضات فراهم آورد.

در اواخر ژوئیه، اونهوین که ۴۶ سال در راس حزب حاکم و تنها حزب برمه بنام "حزب برنام" سوسیالیستی قرار داشت، از سمت خود استعفا داد. جای وی را اوسین لویین، از نزدیکترین مشاوران رهبر مستعفی گرفت. لویین مسئولیت سازمان امنیت برمه را برعهده داشته است. کنگره فوق العاده حزب حاکم علاوه بر انتخاب لویین، تصمیم گرفت برای بهبود وضع اقتصادی،

کمونستهای آمریکای لاتین خواهان گسترش اتحادها شدند

هفته گذشته اجلاس نمایندگان احزاب کمونیست آمریکای جنوبی در مونتئویدئو پایتخت اروگوئه پایان یافت. احزاب کمونیست آمریکای جنوبی در بیانیه پایانی این اجلاس خواهان تقویت همبستگی با همه نیروهای میهن پرست، دمکرات و انقلابی در این قاره که در راه راهی و علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، شدند.

در اجلاس مونتئویدئو، احزاب کمونیست آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، اکوادور، کلمبیا، پاناما، پاراگوئه، پرو، اروگوئه و ونزوئلا شرکت داشتند. نمایندگان جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست از نیکاراگوئه و جبهه رهایی بخش ملی فارابوندو مارتی از السالوادور ناظرانی به اجلاس اعزام کرده بودند.

در سند پایانی اجلاس مونتئویدئو آمده است مبارزه زحمتکشان و خلقهای آمریکای جنوبی برای دمکراسی و پیشرفت، دستاوردهای نظری و عملی جدیدی به همراه داشته است. این سند می افزاید مشارکت فعال نیروهای مسیحی، روشنفکران و دانشجویان و نیز سایر نیروهای اجتماعی در مبارزه برای دمکراسی بطور اساسی افزایش یافته است. اکنون در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی، احزاب ترقی خواه و انقلابی در مبارزه برای آزادی و سعادت میلیونها انسان، متحد کمونیستها هستند. اجلاس مونتئویدئو تصمیم گرفت گردهماییهای مشابهی در سطح گسترده تر برگزار شود.

تظاهرات ۵۰ هزار نفری علیه دیکتاتوری پاراگوئه

آسونسیون پایتخت پاراگوئه در هفته گذشته شاهد تظاهرات ۵۰ هزار نفری مردم علیه دیکتاتوری ژنرال استروسنر بود. این تظاهرات، بزرگترین اعتراض به دیکتاتوری از هنگام روی کار آمدن آن در سال ۱۹۵۴ به حساب می آید. مردم در تظاهرات با حمل پلاکارد و دادن شعار خواهان پایان دادن به استبداد و احیای حقوق و آزادیهای دمکراتیک شدند. در جریان یورش پلیس به تظاهرات، چندین نفر مجروح شدند. برگزار کنند تظاهرات هفته گذشته، کلیسای کاتولیک و سازمانهای سندیکایی، دانشجویی و حقوق بشر بودند.

از میان دیگر رویدادها

● بدنبال بارندگی شدید و جاری شدن سیل در سودان، خطر گرسنگی میلیونها تن از مردم این کشور را تهدید می کند. ۸۰ درصد مناطق مسکونی خارطوم پایتخت سودان زیر آب رفته است.

● طبق آمار سازمان ملل، جمعیت آسیا به ۳ میلیارد نفر رسیده است. آسیا در سال ۲۰۲۵ ۴/۹ میلیارد نفر جمعیت خواهد داشت. در حال حاضر جمعیت جهان ۵/۱ میلیارد تن است.

صهیونیستها تهدید به استفاده از "مشت آهنین" می کنند

شود. بدنبال انتشار این خبر، صهیونیست ها فیصل حسینی رئیس "موسسه تحقیقات عربی" در بیت المقدس شرقی را به اتهام تهیه طرح دولت موقت عربی در کرانه غربی، دستگیر کردند. حسینی که از شخصیت های سیاسی مشهور فلسطینی در مناطق اشغالی است، ظرف ۱۵ ماه گذشته دوبار بازداشت شده است.

در روز سه شنبه ۹ اوت، ساکنان مناطق اشغالی در آغاز نهمین ماه قیام خود علیه صهیونیستها یک اعتصاب همومی را آغاز کردند. این اعتصاب مورد استقبال همگانی قرار گرفت.

حزب کمونیست اسرائیل، تصمیم ملک حسین پادشاه اردن به قطع روابط حقوقی و اداری حکومت اردن با کرانه غربی به مثابه بخشی از این کشور را پذیرش و اذیت نامیده و آن را یک پیروزی در مبارزه مردم فلسطین برای تشکیل دولت فلسطینی در این منطقه دانسته است.

اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل در جلسه فوق العاده پارلمان این کشور به مناسبت اعلام جدایی کرانه غربی رود اردن، مردم کرانه غربی اشغالی رود اردن را از تشکیل یک دولت فلسطینی بر حذر داشت. وی گفت دولت اسرائیل علیه چنین اقدامی با "مشت آهنین" عمل خواهد کرد.

شامیر با بی شرمی اشغال کرانه غربی رود اردن در سال ۱۹۶۷ را "آزادسازی" نامید و مدعی شد تنها اسرائیل قادر است "نظم و قانون" را در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه برقرار کند. شامیر نیروهای خواهان صلح در درون اسرائیل را به باد حمله گرفت و گفت دولتش همچنان با حربه سرکوب به مقابله با قیام فلسطینی ها خواهد پرداخت.

رهبری مخفی قیام مردم مناطق اشغالی پیشنهاد کرد با استفاده از موقعیت ایجاد شده پس از اعلام انصراف اردن از حاکمیت بر کرانه غربی، در این منطقه یک دولت موقت تشکیل

ششمین روز محاکمه کوتلو و سارگین

کردند. ادامه محاکمه به ۱۷ اوت موکول شد. در روز ۱۷ اوت، نیهات سارگین، دبیرکل حزب کارگر دفاعیه خود در پاسخ به کیفرخواست را آغاز خواهد کرد.

همزمان با محاکمه کوتلو و سارگین، یک دادگاه دیگر در آنکارا ۷۳۲ عضو سازمان "راه انقلابی" را محاکمه می کند. دادستان برای ۷۴ نفر از این عده تقاضای حکم اعدام کرده است. وکلای مدافع متهمان، در روز چهارشنبه ۱۰ اوت قرائت لایحه دفاعیه ۵۰۰ صفحه ای خود را آغاز کردند. در این روز متهمان به شرایط نامعادله دادگاه اعتراض کردند. در این محاکمه عدم وجود میکروفون و بلندگو باعث شده است که هیچ یک از متهمان نتوانند جریان دادگاه را بطور کامل دنبال کنند. محاکمه اعضای "راه انقلابی" نیز با حضور ناظران خارجی انجام می گیرد.

چهارشنبه ۱۰ اوت، ششمین روز محاکمه حیدر کوتلو و نیهات سارگین رهبران حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در دادگاه رژیم آنکارا بود. کوتلو در این روز بار دیگر اعمال شکنجه از سوی پلیس در هنگام بازداشت خود را محکوم کرد.

در ششمین روز محاکمه، صورت جلسه صفحهای بازجویی از کوتلو قرائت شد. این صورت جلسه از سوی شکنجهگران تا آن حد ناشیانه تنظیم شده است که از قول کوتلو، کودتای نظامی ۱۹۸۰ را "انقلاب" نوشته اند! در ششمین روز محاکمه کوتلو و سارگین، ۲۰ وکیل مدافع، چند تن از بستگان متهمان، ۱۰ ناظر خارجی و تعدادی خبرنگار حضور داشتند. در این روز نیز در حدود ۲۰۰ تن با حضور در برابر ساختمان محل برگزاری محاکمه، همبستگی خود را با کوتلو و سارگین اعلام

لیگاف: مناسبات بین المللی خصلت طبقاتی دارند

مسائل سیاست خارجی، به رابطه منافع عام بشری و منافع طبقاتی پرولتری اشاره کرد و اظهار داشت: "مناسبات بین المللی را دارای خصلت طبقاتی می دانیم." وی خاطر نشان کرد بر خور و فعال به حل مسائل عام بشری به هیچ وجه به معنای "محدود کردن" مصنوعی پیکار اجتماعی و پیکار رهایی بخش نیست. لیگاف یادآوری کرد که در گزارش میخائیل گارباچف به کنفرانس اخیر حزب، بر همبستگی باز زحمتکشان سراسر جهان تاکید شده است.

لیگاف در مورد نتایج کنفرانس گفت نمایندگان، با قاطعیت خطاها و جنایات گذشته را محکوم و از کاستی ها و محاسبات نادرست انتقاد کردند. وی افزود نمایندگان کنفرانس در همین حال قاطعانه با تلاش برای مخدوش جلوه دادن دستاوردهای خلق شوروی و حزب در ساختمان سوسیالیسم مقابله کردند.

یگور لیگاف عضو هیات سیاسی و دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی یک سخنرانی در گورکی تاکید کرد موضع رسمی حزب کماکان بر این است که مناسبات بین المللی، خصلت طبقاتی دارند. وی نسبت به خطر کپی برداری از نظام اقتصاد بازار غرب در اتحاد شوروی هشدار داد. لیگاف همچنین خطر برداشتهای نادرست از دمکراسی را گوشزد کرد و به عنوان نمونه، به این تمایل اشاره کرد که برای حل مسائل ناشی از دگرگونی اقتصادی، اعتصاب مجاز اعلام شود. لیگاف گفت در سوسیالیسم که نظام اجتماعی متعلق به زحمتکشان است، انجام اعتصاب بی معنی است. وی افزود در جامعه شوروی راههای دیگر و دمکراتیک و سازنده برای حل اختلافات وجود دارد.

لیگاف در نطق خود ضمن پرداختن به

اعلام آتش بس در آنگولا

اول نوامبر ۱۹۸۸ نامیبیا مستقل خواهد شد

۴۳۵ خود برای استقلال نامیبیا اعلام کرده است، آغاز خواهد شد. در این قطعنامه که ۱۰ سال پیش به تصویب رسید، پیش‌بینی می‌شود که قدرت به مردم نامیبیا انتقال یابد و انتخابات آزاد در این کشور تحت نظارت سازمان ملل برگزار شود.

در چارچوب توافق اخیر، آنگولا و کوبا بر تصمیم خود مبنی بر خروج تدریجی و کامل داوطلبان کوبایی از آنگولا تاکید می‌کنند. آنگولا و کوبا متعهد شده‌اند تا تاریخ اول سپتامبر ۱۹۸۸، برنامه زمانی این خروج را اعلام کنند.

طرفهای مذاکره برای "تقویت اعتماد متقابل، کاستن از خطر رویارویی نظامی و فراهم آوردن شرایط پایان مذاکرات در منطقه" یک سلسله تدابیر عملی بقیه در صفحه ۹

آنگولا، کوبا و آفریقای جنوبی بر سر اعلام فوری آتش بس در آنگولا توافق کردند. این خبر در روز دوشنبه ۸ اوت بطور همزمان در لوآندا پایتخت آنگولا، هاوانا، پرتوریا پایتخت آفریقای جنوبی و واشنگتن اعلام شد. قرار است در روز اول نوامبر ۱۹۸۸، نامیبیا استقلال یابد.

وزیر خارجه رژیم آفریقای جنوبی همزمان با اعلام آتش بس در آنگولا گفت که نیروهای این کشور از روز چهارشنبه ۱۰ اوت، خاک آنگولا را ترک می‌کنند. نژادپرستان در طول سالهای اخیر با اعزام هزاران سرباز به خاک آنگولا باعث تلفات و خسارات سنگینی شده‌اند.

طبق توافق اعلام شده، در روز اول نوامبر روندی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه

حوادث خونین در برمه



شده است ۶۷ درصد جمعیت فعال برمه دهقانند.

در چند ماه اخیر، تضادهای اجتماعی در این کشور حدت گرفته‌اند. حتی اعلام مکرر حکومت نظامی در رانگون پایتخت برمه نیز که آخرین مورد آن، در روز چهارشنبه ۳ اوت بود، نتوانست جلوی تظاهرات در خیابانها و میادین شهر را بگیرد. در روز سه‌شنبه ۹ اوت در جریان اقدامات اعتراضی صدها هزار تن از بقیه در صفحه ۱۰

روز جمعه ۱۲ اوت خبرگزاری‌ها گزارش دادند ژنرال اوسین لوین رئیس‌جمهور و رهبر حزب حاکم برمه که تنها ۱۷ روز پیش از آن، بدنبال چند ماه ناآرامی در این کشور آسیایی به این سمت انتخاب شده بود، استعفا داده است. کناره‌گیری لوین در پی گسترش اعتراضات و تظاهرات مردم علیه وی و کشته شدن شمار زیادی از آنها در درگیری با نیروهای رژیم صورت گرفت.

برمه میان هند، چین، لائوس و تایلند واقع شده است. برمه تا قرن نوزدهم تحت حکومت چند سلسله پادشاهی بود که در مناطق مختلف این کشور حکومت می‌کردند. در سال ۱۸۸۶، بریتانیا برمه را ضمیمه مستعمره خود در هند کرد. برمه از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ تحت اشغال ژاپن قرار داشت. در ۴ ژانویه ۱۹۴۸، برمه استقلال و خروج خود را از اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع اعلام کرد و اندکی بعد به عضویت سازمان ملل درآمد.

در دوم مارس ۱۹۶۲ بدنبال یک کودتای نظامی، "شورای انقلاب" به ریاست نه‌وین زمام امور را به دست گرفت. در سال ۱۹۷۱، قانون اساسی جدیدی به تصویب رسید که در آن بر سر "راه رشد فیر سرمایه‌داری" تاکید

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	۱۱ مارك	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	یک ساله	۲۱	۲۴	۱۳ مارك

بهای اشتراك	سه ماهه	۲۷ مارك	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	شش ماهه	۵۲	۵۸	۳۰ مارك
	یک ساله	۱۰۲	۱۱۵	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

درباره تحولات در چین

اظهارات اعضای هیات نمایندگی

حزب کمونیست آرژانتین در بازگشت از چین

در صفحه ۸

در این شماره

● پیشگام در آغاز چهارمین سال انتشار

در صفحه ۲

● آغاز خروج نیروهای شوروی از کابل

در صفحه ۱۰

● نظارت سازمان ملل بر آتش بس

در صفحه ۳

AKSARIYAT
NO. 220

MONDAY, 15 AUG '88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید